

## کارکرد موقوفات در گسترش مراسم مذهبی دوره صفوی

دکتر نزهت احمدی\*

### چکیده

روش تدوین مقاله حاضر تحت عنوان «کارکرد موقوفات در گسترش مراسم مذهبی در دوره صفوی بر اساس روش اسنادی و کتابخانه ای است که با محور قرار دادن استاد وقفنامه های برجای مانده از دوره صفویه در سه شهر اصفهان، کرمان و مشهد، در صدد بر آمده تا کارکرد و نقش موقوفات را در گسترش مراسم مذهبی در جامعه آن دوره تبیین نماید.

در این مقاله مواردی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر مراسم مذهبی وقف شده به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفته است و نشان داده شده که واقفان چه مواردی را مد نظر داشته و این موارد به نوبه خود چگونه باعث اشاعه مذهب خاص شیعیان شده است.

**واژگان کلیدی:** وقف، صفویه، مراسم مذهبی، عزاداری، اماکن مذهبی.

### مقدمه

شناخت آداب و مراسم مذهبی هر دوره تاریخی کمک بسیاری به شناخت تاریخ اجتماعی آن عصر می کند. از آنجایی که مراسم مذهبی یکی از تجلیات فرهنگ جامعه و بازتاب علایق و

\* استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء

اندیشه‌های مذهبی مردم آن جامعه است، بررسی و پژوهش در این خصوص ما را به درک بهتر تاریخ اجتماعی رهنمون می‌سازد.

با توجه به آن جزئیات مراسم مذهبی و نحوه اجرای آن برای مورخان هر دوره امری بدیهی و شاید روزمره تلقی می‌شده است از این رو کمتر می‌توان در منابع تاریخی نشانی از آن به دست آورد. بیشترین حجم اطلاعات ما از زمانی است که سیاحان خارجی دیده‌ها و شنیده‌های خود را برای گزارش به مردم کشور خویش به رشته تحریر در آورده‌اند. اما اطلاعات آنان نیز تنها حول محور چگونگی برگزاری این مراسم و در واقع نماد بیرونی آن است و کمتر می‌توان اطلاعاتی از میزان هزینه تخصیص یافته به این مراسم و نیز دلایل توسعه و گسترش آن به دست آورد.

یکی از معدود منابع که اطلاعات ذی‌قیمتی در این خصوص به دست می‌دهد اسناد وقفی است که مستقیماً جهت وقف امور مذهبی از جمله برگزاری مراسم مذهبی یا زیارت اماکن متبرکه تنظیم شده‌اند.

از دوره صفویه که دوره پر رونق وقف است اسناد وقفی بسیاری جهت امور مذهبی باقی مانده است که می‌توان با بررسی آنها اطلاعاتی در مورد مراسم مذهبی در این دوره و نیز جایگاه این مراسم در فرهنگ جامعه ایران آن روز به دست آورد.

در اینجا مراد ما از مراسم مذهبی کلیه مراسم مربوط به اعیاد مذهبی، مراسم عزاداری و سفرهای زیارتی است و از آنجایی که توسعه بناهای مذهبی و به ویژه توجه به ساخت و مرمت مزار امامان و امامزادگان با توسعه سفرهای زیارتی بی‌ارتباط نیست، به طور مختصر به این مورد نیز پرداخته شده است.

### مراسم اعیاد مذهبی

برگزاری مراسم مذهبی از اعیاد تا مراسم عزاداری بدون حمایت مادی و معنوی مردم خالی از رونق و شکوه خواهد بود و در واقع نیازمند حمایت اقشار مختلف جامعه است که این حمایت نشان از باور و اعتقاد مردم جامعه به آن مراسم خاص دارد. یکی از راههای حمایت مردمی از چنین مراسمی در سراسر جهان تخصیص نذورات یا وقف اموال جهت تأمین مخارج آن است.

در دوره صفوی با موقوفاتی روبرو هستیم که جهت اعیاد مذهبی وقف شده اند. البته ناگفته نماند که میزان حمایت از این مراسم به اندازه وقف جهت مراسم عزاداری یا زیارت اماکن متبرکه نیست. شاید علت آن اشتراک این مراسم باشد که به جز چند مورد مانند مراسم عید غدیر و جشن نیمه شعبان که تنها به شیعیان تعلق دارد، سایر اعیاد میان فرق مختلف مشترک است. احتمال دیگر آن است که از آنجایی که در دوره تسلط حکومت های اهل تسنن برای اجرای مراسم اعیاد سختگیری وجود نداشته در حالی که برگزاری مراسم عزاداری غالباً با ممانعت های بسیاری روبرو بوده است، چرا که بیانگر اعتراض شیعیان به جریانهای سیاسی - مذهبی حاکم بر جامعه از دوران پس از رحلت پیامبر(ص) بوده است.

از آنجایی که سیاست شاهان صفوی با دین آمیخته بود، بسیار مشتاق بودند اعتقادات خود را در انظار عمومی نیز نشان دهند، گاه در برخی مراسم مذهبی همراه با سایرین حضور می یافتند. محمد معصوم در ذیل حوادث سال ۱۳۰۹ به شرکت شاه صفی در مراسم نماز عید فطر که توسط محمد باقر داماد خوانده شد، اشاره کرده است (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۸۲). لازم به ذکر است علی رغم آن که گزارش های بسیاری از برگزاری باشکوه مراسم اعیاد در این دوره در دست است اما در اسناد مورد بررسی هیچ نمونه ای که به طور مستقیم جهت اعیاد وقف کرده باشد دیده نشد.

### حمایت موقوفات از مراسم عزاداری

شواهد تاریخی گویای آنست که پس از واقعه کربلا، برگزاری مراسم عزاداری و سوگواری در میان شیعیان مرسوم شد و این مراسم تا به امروز در میان تمامی شیعیان جهان تداوم داشته است. البته انجام این مراسم در طی تاریخ فراز و نشیب هایی داشته است و گاه توسط حکام غیر شیعه ممنوع گذشته و زمانی نیز توسط حکام شیعی مذهب تبلیغ و ترویج شده است. تشریفات این مراسم نیز در سرزمین های مختلف تحت تأثیر فرهنگهای گوناگون، تا حدی رنگ و بوی منطقه ای یافته است و هر دسته از مردم با شیوه خاص خود به برگزاری این مراسم پرداخته اند. همچنین حاکمیت های سیاسی بر نحوه برگزاری این مراسم تأثیر گذار بوده اند. بنابر این می توان گفت که بعد زمان و مکان بر کمیت و کیفیت آن بی تأثیر نبوده است. از جمله

دوره صفوی یکی از دوره های بسیار تأثیر گذار بر نحوه اجرای این مراسم بوده است و به طور مستقیم و غیر مستقیم بر چگونگی اجرای مراسم تأثیر گذاشته است.

شیعیان که در طی قرن‌ها از آزادی عمل کافی برای برگزاری مراسم عزاداری برخوردار نبودند پس از بدست گرفتن قدرت سیاسی، شاید به بران گذشته، در پشتیبانی از این مراسم سخت کوشیدند. در هر حال آنان به قصد کسب ثواب اخروی و یا با هر دلیل دیگر اموال بسیاری را جهت برگزاری چنین مراسمی وقف نمودند. آنان حتی برای هر چه با شکوه تر برگزار شدن این مراسم جنبه های مختلف آن را مورد توجه قرار دادند و برای هر بخش به طور جداگانه مبالغی را وقف کردند.

جهت برگزاری چنین مراسمی علاوه بر آن که نیاز به مکانی مناسب برای تجمع افراد، خطیب و مداح برای و روضه خوانی است باید از کسانی که در مراسم حضور یافته اند پذیرایی شود. به همین دلیل در بیشتر وقفنامه ها با دقت بسیار و با ذکر یک یک موارد، چگونگی برگزاری مراسم و میزان مخارج لازم برای هر مورد را ذکر کرده اند تا جایی که حتی برخی از واقفان برای نوع خوراکی که باید در این مراسم توزیع شود نیز دستورالعمل خاص ارائه داده اند.

حاج مهدی خان سرکار خاصه شریفه در وقفنامه ای که به سال ۱۱۲۹ تنظیم کرده، دستور العمل مفصلی برای این منظور داده است. وی مقرر کرده که نه عشر درآمد حاصله از موقوفات وی را سالانه «در ایام و لیالی عشر اول محرم و روز و شب اربعین و بیست و هشتم ماه صفر روز بیست و یکم ماه رمضان صرف تعزیه سید الانبیاء و سید الوصیاء و سیده النساء و سید الشهداء رابع و خامس آل عبا ... و سایر شهدای کربلاء معلی، هر یک در وقت مناسب نمایند».

سپس در ادامه نحوه مصرف را این گونه بیان می کند: «از تکلف روضه خوان و واقعه خوان و ترتیب طعام و حلوا و شربت و اطعام شیعیان و تدارک شمع و چراغ و تهیه سایر ضروریات» (وقفنامه ش ۳۷۸، اصفهان). این وقفنامه نشان دهنده چگونگی برگزاری مراسم است. در واقع با استناد به آن می توان اذعان کرد که در آن دوره معمول آن بوده که در این ایام علاوه بر روضه خوانی، که احتمالاً منحصر به خواندن روضه شهدا بوده، واقعه خوانی نیز که ذکر مصائب واقعه کربلا بر اساس مقاتل است نیز صورت پذیرد.

در این دوره خواندن روضه الشهداء در مراسم سوگواری جهت در گذشت شاهان نیز متداول بود. به عنوان نمونه پس از درگذشت شاه سلیمان، که در ماه محرم رخ داد، مراسمی در روز عاشورا در تالار عالی قاپو برگزار شد و طی آن به خواندن روضه الشهداء پرداختند و مردم در دسته های مختلف برای شرکت در مراسم تعزیه سید الشهداء و سوگواری شاه مرحوم در میدان نقش جهان تجمع کرده بودند (نصیری، ۱۳۷۳: ۳۳). در برخی وقفنامه ها گاه دستور العمل های خاصی برای برگزاری این مراسم ذکر شده است که نحوه و چگونگی اجرای آن را تعیین می کند. به عنوان مثال شاه سلطان حسین در وقفنامه مربوط به فرح آباد خواسته تا در دهه عاشورا و ۲۱ رمضان و روز اربعین تعزیه سید الشهداء برگزار شود، به این صورت که یک نفر «طالب علم عارف به احادیث» احادیثی در باب تعزیه آن امام بخواند و سپس مراثی آن حضرت را بیان کند و زنان و مردان به تعزیه داری مشغول شوند و متولی به مقداری که صلاح می داند به آن طالب علم اجرت دهد و بقیه آنچه باقی ماند را صرف «طبخ حلیم در شب عاشورا و در ایام مزبوره و نان گندم و سایر مأكولاتی که ضرور باشد» و نیز پرداخت اجرت کسانی که مشغول به خدمت هستند بکنند. همچنین قید کرده که چیزهای شیرین مانند حلوا و غیره تهیه نکنند و «در آن مجلس نیاورند (وقفنامه ش ۴۴۶، اصفهان)

البته بر اساس برخی وقفنامه های دیگر مشخص می شود که قید خاصی در آن دوره برای عدم استفاده از خوراکی های شیرین در مراسم عزاداری وجود نداشته است و این بیشتر میل شخصی افراد بوده که برخی چنین قیودی را در وقفنامه های خود ذکر کرده اند. از جمله در وقفنامه دیگری که تنها یک سال پس از وقفنامه شاه سلطان حسین تنظیم شده است، تأکید شده که در مراسم تعزیه سید الشهداء حلوا و شربت داده شود (وقفنامه ش ۳۷۸، اصفهان).

در میان اسناد مورد بررسی، بیشترین میزان وقف جهت عزاداری در این دوره متعلق به اسناد اصفهان می باشد که ۸ مورد از بین ۵۸ وقفنامه نگهداری شده در اداره کل اوقاف این شهر به طور کامل یا بخشی از آن بر برگزاری مراسم عزاداری وقف شده اند. در اسناد کرمان موردی مشاهده نشد و از ۴۸ وقفنامه آستان قدس تنها دو سند (یکی وقفنامه میرزا ابوالحسن صاحب نسق در تاریخ ۱۱۲۹ و دیگری وقفنامه میرزا محمد مؤمن) بخشی را به برگزاری مراسم عزاداری

تخصیص داده اند و از میان ۱۹ وقفنامه اداره کل اوقاف مشهد ۴ مورد حد فاصل ۱۰۳۹ تا ۱۱۲۹ بر عزاداری وقف شده است.

قابل ذکر است که در برخی وقفنامه ها که بر اماکن مذهبی مانند مزار امامان، مساجد و مدارس وقف شده اند سهمی به برگزاری مراسم عزاداری در این اماکن تخصیص یافته است. به عنوان نمونه میرزا محمد شفیعا و مریم بیگم که هر دو واقف دو مدرسه هستند در وقفنامه های خود تصریح کرده اند که در ایام ماه رمضان و ماه محرم باید در مدراس احداثی آنان روضه سیدالشهدا خوانده شود (وقفنامه ش ۱۱۶ و ش ۳، اصفهان).

### افزایش سفرهای زیارتی با حمایت موقوفات

زیارت اماکن مذهبی از مکه و مدینه گرفته تا عتبات عالیات و زیارت امام رضا (ع) و نیز امامزادگان از دل‌بستگی های شیعیان است. اما طی طریق کردن در دنیای آن روز هم نیاز به امکانات مالی داشت و هم با مشکلات فراوانی روبرو بود. از این روی برخی از واقفان با وقف اموال خود بر زائران و یا فراهم کردن امکانات رفاهی در بین راه و یا در شهرهای زیارتی همت گماشته اند. علاوه بر آن توشه راهی برای زائران فراهم ساخته اند، و سعی کرده اند تا حدی از مشقت راه دشوار آنان بکاهند.

وقفنامه های بسیاری موجود است که در آن قسمتی از درآمد موقوفه برای مصارف مختلف زائران اماکن مختلف در نظر گرفته شده است. همچنین ساخت کاروانسرا، آب انبار، مهمانخانه (ضیافتخانه)، دارالشفاء و غیره، خود به رواج و گسترش سفرهای زیارتی کمک کرده است. ناگفته نماند که تمرکز قدرت و امنیت حاصل از آن نیز بر افزایش سفرهای زیارتی بی تأثیر نبوده است، زیرا راهها امن شد و قاطعان طریق سرکوب شده یا از ترس حکومت مرکزی آرام گرفتند.

به طور کلی زائران برای زیارت حرمین شریفین یا زیارت عتبات عالیات یا روضه رضویه پای در سفر می نهادند و البته این زائران خود به چند دسته تقسیم می شدند. گروهی از تمکن مالی خوبی برخوردار بودند و با خدم و حشم راهی سفر شده، و در راه حتی به دستگیری از فقرا و ابن سبیل می پرداختند. دسته دیگر از طبقه متوسط بودند که خود استطاعت پرداخت مخارج خود را داشتند ولی از خدم و حشم بی بهره بودند. آنان غالباً با کاروانهای عازم این

مناطق، همراه می شدند. این دو گروه اگر چه برای مخارج سفرشان نیازمند کسی نبودند اما از تسهیلاتی که در راهها غالباً از سوی افراد خیر وقف شده بود مانند آب انبار و کاروانسرا بهره می بردند.

گروه سوم شامل کسانی بود که قادر به تأمین مخارج سفر خود نبودند و فقط در صورت دریافت کمک مالی قادر بودند پای در سفر گذارند. این افراد که بیشترین استفاده را از موقوفات می بردند. در راه بدون پرداخت هزینه از کاروانسراهای وقفی استفاده می کردند و در مکانهای خاص زائران در کنار اماکن مذهبی رحل اقامت می انداختند، و غالباً از سفره خانه های وقفی استفاده می کردند و حتی گاه تمام یا قسمتی از مخارج سفرشان از وقفیات خاص این کار تأمین می شد.

گروه چهارم را نایب الزیاره ها تشکیل می دادند. اینان در واقع اجیر شده بودند تا به جای شخص دیگری به سفر زیارت بروند. بنابراین هزینه سفر آنان به طور کامل از سوی موکلشان پرداخت می شد.

در میان اسناد مورد بررسی طبیعی است که شهر مشهد بیشترین موقوفات را جهت زائران حرم امام رضا(ع) داشته باشد حال آن که در سایر شهرها بیشتر سفر عتبات مورد توجه قرار گرفته است.

واقفان در وقفنامه گاه علاوه بر زائر بودن قیود دیگری را نیز قید کرده اند مانند «مستحقین زوار» (وقفنامه ش ۱۴، آستان قدس) غربا یا ابناء السبیل (وقفنامه ش ۴، آستان قدس) و گاه تنها لفظ زائر (وقفنامه ش ۳۰، آستان قدس) آمده است. برخی واقفان نیز شرایط بیشتری قرار داده اند، مانند حاجی علی اکبر اصفهانی که در آمد موقوفات خود را به چند سهم تقسیم کرده و بخشی را به «سادات سکنه نجف و کربلا و کاظمین که عزم مشهد دارند»، اختصاص داده و بخشی دیگر را به «زوار جبل عامل و بحرین و جزائر که به ایران آیند»، تخصیص داده است (وقفنامه ش ۳۴، آستان قدس).

نکته قابل توجه در این وقف آن است که به زائران غیر ایرانی توجه شده است. چنین وقفی می تواند تشویقی باشد برای سفر شیعیان سایر نقاط به ایران و این علاوه بر رونق بخشیدن به سفرهای زیارتی، می تواند تا حدی در جهت سیاست های دولت مبنی بر جذب شیعیان این

مناطق به ایران باشد. چرا که بسیاری از این افراد ممکن بود در ایران ساکن شوند یا در واقع در کنار حرم مجاور شوند. این نمونه وقف چندان زیاد نیست. در وقفنامه های شاهان صفوی به چنین موردی برخورد نشد، اما صفر قلی خان بیگلریگی مشهد، اگر چه مستحق بودن زائر را شرط استفاده از موقوفه قرار داده است، با این حال زائران اهل « بحرین و جزائر و لحاصا » را بر دیگر زائران مستحق اولویت داده است. (وقفنامه ش ۱۴، آستان قدس).

در میان اسناد سازمان اوقاف مشهد دو وقفنامه برای زائران امام رضا(ع) و یک مورد وقف برای عتبات عالیات وجود دارد. الله وردی خان در سال ۹۹۶ مبالغی بر تمامی «مجاورین و زائران روضه رضویه»، وقف کرده است (وقفنامه ۱۶۱، مشهد)، حال آن که واقف دیگری در سال ۱۰۹۳، دارالضیافه ای در میان مزرعه ای احداث کرده و در آمد موقوفه اش را بر «کافه عابرین از زوار و غیره» که به دارالضیافه وارد شوند، وقف نموده است (وقفنامه ۲۵، مشهد). مورد سوم وقفنامه ای است به تاریخ ۱۱۲۹، از میرزا ابوالحسن صاحب نسق که دو عشر از درآمد موقوفه را به «مردم صالح متدینی که اراده زیارت عتبات عالیات» داشته باشند وقف کرده به قرار نفری یک تومان و پنجاه دینار تبریزی (وقفنامه ۲۰، مشهد). در واقع در این نوع وقف ظاهراً این پول کمک خرجی برای زائر است و بسیار محتمل است که مخارج سفر او بیش از این مقدار بوده باشد.

سفرهای زیارتی تنها به دلیل اختصاص اموال وقفی جهت سفر به اماکن مقدسه افزایش نیافت، بلکه توجه واقفان به موارد جانبی این اماکن نیز بر رونق سفر افزود. همان گونه که پیش از این گفته شد ایجاد آب انبار هایی که بین راه عطش مسافران را فرو می نشاند، بنای کاروانسراها و رباط ها جهت اسکان مسافران، ایجاد دارالشفاء برای بیماران غریب در شهر های مذهبی، تأسیس دارالضیافه و تخصیص اموال جهت مطبخ و شربت خانه حرم، همه از مواردی است که باعث اطمینان زائران و در نتیجه بر رونق این سفرها می افزود.

### توسعه بناهای مذهبی تحت حمایت موقوفات

تاریخ گویای آن است که بشر از دیرباز توجه ویژه ای به بناهای مذهبی خود داشته و با تخصیص نذورات و موقوفات، این توجه و علاقه را ابراز کرده است. در طول تاریخ همیشه معابد و عبادتگاه ها با بهره مندی از حمایت مادی و معنوی مردم به حیات خود ادامه داده اند.



پیروان هر آئین سعی کرده اند بهترین و زیباترین اموال خود را به عبادتگاه ها هدیه کنند و از آنجا که پیامبران، اولیاء و بزرگان همیشه مورد توجه بسیار پیروان خود هستند، مزار آنان همواره به عنوان مکانی مقدس مورد احترام و بهره مند از نذورات و موقوفات بوده است.

مسلمانان نیز از این قاعده کلی به دور نبوده اند. قبل از هر چیز کعبه، قبله مورد توجه بوده و پس از آن مزار پیامبر(ص) جایگاه ویژه ای نزد مسلمانان داشته است. همچنین آنان با تأسیس مساجد زیبا و با شکوه؛ که غالباً از شاهکارهای معماری به حساب می آیند، علاقه خود را به عبادتگاههای خود نشان داده اند.

علاوه بر اینها شیعیان احترام بسیاری برای مزار امامان و امامزادگان خود قائل هستند و از آن جا که در حکومت های اهل تسنن قادر نبودند آن گونه که می خواهند علاقه و احترام خود را به این اماکن نشان دهند و حتی بعضاً این اماکن از سوی برخی زمامداران مورد بی احترامی قرار می گرفت، به هنگامی که در پناه حکومت صفوی آزادی عمل یافتند تمامی توجه و علاقه خود را با یکباره متوجه این اماکن کردند و تا حدی که توانستند بر شکوه و جلال آن افزودند. در این دوره مردم همگام با شاهان صفوی به بازسازی و مرمت بنای مزارها پرداختند و با وقف اموال بقای آن را تضمین کردند.

گاه شاهان صفوی این کار خود را مأموریتی از سوی امامان جلوه می دادند چنان که شاه طهماسب در تذکره خود ادعا کرده که هنگام جنگ با ازبکان، حضرت علی (ع) را در خواب دیده که به او در چند مورد سفارش کرده اند که در یکی از موارد گفته اند: «بعد از فتح سمرقند گنبد مرا تو یا اولاد تو، مانند گنبد امام ثامن ضامن امام رضا علیه السلام بسازند» (شاه طهماسب، ۱۳۴۳ق: ۴-۲۳).

بنا بر شواهد بخش اعظم هزینه ساخت بناهای مذهبی، تعمیرات و تجهیزات آن غالباً از موقوفات تأمین شده است. اگر چه از نیت تک تک واقفان آگاه نیستیم و نمی دانیم این چنین کارهایی را صرفاً برای رضای خدا انجام داده اند یا کسب اعتبار میان بندگان خدا، اما هر چه بوده امروز در گوشه و کنار جامعه خود شاهد این آثار گرانقدر هستیم که به دلیل کیفیت خوب ساخت بنا و نیز جنبه قداستی که داشته اند نه تنها از گزند باد و باران که از گزند تاراج گران نیز مصون مانده اند و توانسته اند جلوه ای از هنر هنرمندان اعصار پیش را به نمایش بگذارند.

مطالعه و بررسی توسعه این بناها تفاوت‌های کلی میان ارج گذاری جوامع بر این گونه بناها در دوره‌های مختلف را نشان می‌دهد که از لحاظ درک تاریخ اجتماعی هر عصر و دریافت دیدگاه‌های مذهبی و باورهای اعتقادی مردم آن دوره بسیار حائز اهمیت است. به عنوان مثال در دوره‌ای با روند توسعه موقوفات خانقاه روبرو هستیم و در دوره‌ای دیگر رکود آن را شاهدیم. در میان وقفنامه‌های مورد بررسی تعداد بسیار معدودی ذکری از خانقاه آورده‌اند، و هیچ وقفنامه‌ای نیز به صراحت بر متصوفه اشاره نکرده است. اما از رساله «سؤال و جواب» علامه مجلسی چنین بر می‌آید که هنوز در آن دوره موقوفاتی در این خصوص وجود داشته و برخی در جستجوی راهی شرعی برای تبدیل آن بوده‌اند. در این رساله از علامه مجلسی سؤال می‌شود: «هرگاه مصرف وقف را امر نامشروعی قرار دهند، مثل آن که ملکی را وقف کرده باشند که حاصل آن صرف غنا و چرخ زدن که از بدعت‌های بعضی متصوفه است نمایند، چه حکم دارد؟»

جواب: مشهور آن است که آن وقف باطل است. (مجلسی، ۱۴۱۱ق: ۲۸۷).

از قرائن چنین بر می‌آید که در دوره صفوی به جای وقف بر خانقاه که در دوره تیموری رونق بسیار داشت وقف بر مزار امامان و امامزادگان افزایش قابل توجهی یافت. از یک سو شاهان صفوی اقدام به بازسازی و زیبا سازی مزارهای شریفه پرداختند و از دیگر سو آنان و سایر مردم اموالی را جهت این اماکن وقف کردند. اگر چه علاوه بر حرم امامان و امامزادگان، مساجد و مدارس و خانقاه‌ها نیز در زمره اماکن مذهبی محسوب می‌شوند اما از آنجا که خارج از بحث این مقاله هستند در اینجا از پرداختن به آنها خودداری می‌شود.

به هر حال وقف بر این گونه اماکن تنوع بسیاری دارد و واقفان موارد گوناگونی را مد نظر قرار داده‌اند که هر یک به نوبه خود بر رونق سفرهای زیارتی بی تأثیر نبوده است. در زیر به طرور اجمال این موارد ذکر می‌شود.

### وقف بر تعمیر و مرمت بنا

نگهداری و مرمت بنا یکی از موارد پر هزینه هر بنا محسوب می شود. در واقع تنها هزینه ساخت بنا کافی نیست بلکه بایست به طور مرتب، مبالغی برای نگهداری آن هزینه شود. بنابراین تقریباً تمامی واقفان هزینه مرمت و نگهداری بنا را در اولویت قرار داده اند.

البته ساخت و مرمت بنا نقطه پایان آن نبود، بلکه برای رونق بخشیدن به آن می بایست به تجهیزات داخلی آن نیز توجه شود. مانند فرش، روشنایی، نظافت و غیره، که این موارد نیز از دید واقفان پنهان نمانده است و آنان کم و بیش مبالغی را جهت این موارد تخصیص داده اند که در اینجا به طور مجزا به هر یک خواهیم پرداخت.

وقف بر روشنایی: روشن نگه داشتن اماکن مذهبی یکی از دل مشغولی های واقفان بوده است. اهمیت این امر با توجه به شرایی زمانی آنان بیشتر مشخص می شود. از یک سو چراغها و قندیل ها نیاز به مراقبت مداوم و هزینه بسیار داشت و از دیگر سو روشنایی این اماکن بی شک بر رونق آن می افزود. از این رو تقریباً تمامی واقفانی که اقدام به ساخت یا مرمت یکی از این گونه اماکن کرده اند موضوع روشنایی را فراموش نکرده مبالغی را به این امر تخصیص داده اند. گاهی نیز دستور العمل های دقیقی را در وقفنامه های خود برای چگونگی روشن نگه داشتن این بناها ذکر کرده اند. البته وقف بر روشنایی صرفاً از سوی بانیان بناها و یا واقفان بزرگ صورت نگرفته است و چه بسا که افراد کم بضاعت نیز در حد توان مالی خود مبالغی را به این امر تخصیص داده اند.

در میان اسناد آستان قدس ۱۸ سند، حد فاصل سالهای ۹۳۱ تا ۱۱۲۵ و ۱۳ مورد از وقفنامه های اصفهان حد فاصل ۱۰۱۱ تا ۱۱۱۸ به امر روشنایی تخصیص یافته که یک مورد آن وقف بر مرقد شاه عباس ثانی در قم است (وقفنامه ش ۴۰۳، اصفهان)

گاهی نیز واقفان موارد جزئی تری را مد نظر قرار داده اند از جمله در وقفنامه ای در مشهد هزینه شمع و چراغی را که صبح و شب لازم بود برای پیش نماز روشن شود را تقبل کرده است (وقفنامه ش ۱۲۹، مشهد). حتی برخی واقفان نوع و وزن شمعی که باید خریداری شود را قید کرده اند. البته روشنایی تنها با شمع نبود و از چیزهایی دیگری چون فانوس و مشعل نیز استفاده می شده است.

بر اساس اسناد حرم امام رضا(ع) در آنجا مکان خاصی به نام شمع خانه وجود داشته که ظاهراً مسئول رسیدگی به امر روشنایی حرم بوده است و برخی واقفان اختصاصاً بر این شمع خانه وقف کرده اند. شاه عباس اول در وقفنامه ای که به سال ۱۰۱۱ (وقفنامه ش ۸، آستان قدس)، زمین های اطراف آستانه را جهت وقف اموات در نظر گرفته و در آمد آن را بر «شمع خانه مبارکه» وقف کرده است.

**وقف برای خوشبوکردن اماکن:** از دیگر مواردی که دغدغه واقفان بوده و غالباً پس از روشنایی به آن توجه کرده اند خوشبو نگه داشتن اماکن مذهبی بوده است که غالباً مبالغی را جهت این امر تخصیص داده اند اما کمتر به نوع مواد خوشبو کننده اشاره کرده اند.

**وقف بر خدام:** علاوه بر خوشبو کردن نظافت نیز فراموش نشده است و بیشتر وقفنامه ها مبالغی را جهت شخص یا اشخاصی که در اماکن وقفی به کار نظافت و مراقبت اقدام نمایند وقف کرده اند. حتی برای ذغال منقل خدمه در زمستان هم مواردی وقف شده است (وقفنامه ش ۱۶، آستان قدس).

**وقف بر فرش:** تجهیزات داخلی بناها از دیگر مواردی است که از دید واقفان پنهان نمانده است، به ویژه که این گونه تجهیزات غالباً بر اثر رفت و آمد مردم فرسوده می شدند و نیاز به تجدید و تعویض دارند. این گونه موقوفات را تنها واقفان این بناها وقف نمی کردند، بلکه افراد دیگر نیز به فراخور حال خود موقوفاتی را جهت این کار وقف کرده اند حتی افراد کم درآمدتر گاه تنها یک فرش یا گلیمی را بر مسجد، مدرسه یا امامزاده ای وقف نموده اند.

البته غالب وقفنامه ها وقف بر روشنایی، فرش و جاروب حرم و حتی هزینه خدمه و فراش حرم را همزمان و توأمان آورده اند و به هر یک مبلغی را تخصیص داده اند.

**وقف بر تأسیسات جانبی:** علاوه بر تجهیزات داخلی برخی از این اماکن و به ویژه حرم ها، دارای برخی مؤسسات جانبی وابسته بودند. از جمله تأسیسات جانبی اماکن مقدسه، سقاخانه، دارالضیافه، دارالشفاء، شربت خانه و غیره است که هر یک موقوفاتی دارند. اگر چه تعداد آنها کم است و اطلاعات زیادی از نحوه اداره آنها در دست نیست اما مختصر اطلاعاتی که در دست است مطالب جالب توجهی را بیان می دارد. در میان اسناد مورد بررسی اسناد آستان قدس بیشترین سهم را در این گونه موارد دارند.

**وقف بر سقاخانه حرم:** وقفنامه ای از سال ۱۰۸۸ در دست است که واقف موقوفاتی را بر سقاخانه حرم وقف کرده است (وقفنامه ش ۲۲، آستان قدس). البته برخی واقفان درآمد موقوفه خود را به طور کلی بر مخارج حرم یا هر بنای دیگری وقف کرده اند بدون آن که بر موردی خاص تأکید کنند.

**وقف بر دارالشفاء:** در میان وقفنامه های آستان قدس یک مورد به تاریخ ۹۳۱ (وقفنامه ش ۱، آستان قدس)، سهمی به بیماران اختصاص داده و یک مورد نیز به تاریخ ۱۰۶۵ (وقفنامه ش ۱۲، آستان قدس) تقریباً تمام درآمد موقوفه خود را بر دارالشفای حضرت وقف کرده و خواسته است تا از درآمد آن «مخارج ۲ جراح و ۴ خادم که حتماً یکی از آنها زن باشد، برای دارالشفاء استخدام نمایند و بقیه درآمد را صرف «فرش و راحت و خواب و لباس» بیماران کنند.

**وقف بر اطعام زائران:** دستگیری از فقراء و یتیمان و به ویژه اطعام از مواردی است که بسیاری از خیران به مناسبت های مختلف بدان پرداخته اند. اطعام گاه در منازل شخصی واقفان یا در بناهای احدائی آنان مانند مدرسه و مسجد و گاه در اماکنی چون حرم امامان یا امامزادگان یا خانقاه ها، صورت می گرفت.

برخی از حرم ها مانند حرم امام رضا(ع) و خانقاه ها مانند خانقاه شیخ صفی الدین اردبیلی، خود دارای مطبخ و سفره خانه بودند. از این روی واقفانی که میل به اطعام زائران چنین اماکنی داشتند، در آمد موقوفه خود را بر سفره خانه آن مکان وقف می کردند.

در میان اسناد آستان قدس ۶ مورد حد فاصل سالهای ۹۳۱ تا ۱۱۲۵ بر سفره خانه حرم وقف است که برخی شرایط خاصی برای وقف خود قائل شده اند. عتیق علی ابن احمد طوسی در سال ۹۳۱ (وقفنامه ش ۱، آستان قدس) خواسته است که فقراء و مساکین صادرین و واردین، مریض ها و غریب ها اطعام شوند. شاه عباس (وقفنامه ش ۱۰، آستان قدس) و میر علی الدین محمد کاشانی (وقفنامه ش ۳۱، آستان قدس) و آقا کافور (وقفنامه ش ۳۳، آستان قدس) و قمر النساء خانم (وقفنامه ش ۳۸، آستان قدس) به طور کلی بخشی را صرف مطبخ کرده اند و جعفر قلی بیگا در سال ۱۱۲۵ (وقفنامه ش ۴۳، آستان قدس) خواسته اگر از دیگر مصارف چیزی باقی ماند برای مطبخ حرم نمک خریداری شود.

با استناد بر وقفنامه های مربوط به حرم امام رضا (ع) در می یابیم که علاوه بر سفره خانه، شربت خانه نیز وجود داشته است.

**موارد استثنایی:** از معدود وقف هایی که انجام شده است مواردی نیز به غیر از آنچه تاکنون گفته شد تخصیص یافته است، وقف برای نگهداری کودکان یتیم (وقفنامه ش ۴۲، آستان قدس) و کوک سازی ساعت حرم (وقفنامه ش ۴۶، آستان قدس) می باشد.

### نتیجه

در پایان می توان گفت که در سایه حمایت موقوفات، مراسم مختلف مذهبی رونق و گسترش یافت. مبالغی از سوی واقفان برای برگزاری هر چه بهتر مراسم اعیاد و خصوصاً مراسم عزاداری در دوره صفویه وقف شد.

همچنین بناهای مذهبی در اثر حمایت موقوفات توسعه بسیار یافتند و نیز با تسهیلاتی که برای سفرهای زیارتی در نظر گرفته شده بود و تجهیزات جانبی که امکاناتی را در اختیار زائران قرار می داد، بر آمد و شدها افزود. این رفت و آمدها خود به نوبه خود بر رونق و توسعه این گونه بناها کمک بسیار کرد. حتی در مواردی می توان ادعا کرد که بقای این بناها تا حد زیادی وامدار موقوفات آن بوده است. همچنین بناهای عام المنفعه ای که در مسیر راهها ساخته شدند رفت و آمدها را رونق داد و در نتیجه به طور غیر مستقیم بر توسعه بناهای مذهبی تأثیر گذار بودند.

حتی می توان ادعا کرد که وجود امکانات جانبی که در جوار حرم ها ایجاد شده بود، باعث جذب زائران و گاه مجاور شدن آنان و در نتیجه ازدیاد نفوس می شد و در نهایت بر رونق شهرهای زیارتی می افزود.

شاهان صفوی علاوه بر مشارکت در امر وقف مبالغ هنگفتی را صرف مرمت و بازسازی و تزئینات اماکن مذهبی نمودند که این خود بر توسعه این بناها و در نهایت رواج بیشتر مراسم مذهبی تأثیر گذار بود.

به هر حال هر چه بر تعداد موقوفات افزوده شد به طور مستقیم و غیر مستقیم سهم اماکن مذهبی نیز افزایش یافت. مبالغ بسیاری که وضع و شریف بر اماکن مقدسه به ویژه عتبات

عالیات و مشهد امام ثامن(ع) وقف کرده اند هم گویای میزان علاقه و توجه اقدار مختلف جامعه به این اماکن است و هم گویای ارزش های رایج زمان خود می باشد. گسترش آداب و مراسم مذهبی خاص شیعه در جامعه دوره صفویه، به گسترش آئین تشیع کمک بسیار نمود و در واقع یکی از راههای فرهنگی تبلیغ و ترویج فرهنگ تشیع در میان اقدار مختلف مردم همان اشاعه آداب و مراسم مذهبی بود که به کمک موقوفات میسر شده بود. روضه خوانی که شاید زمانی نه چندان دور از این دوره نمی توانست به طور علنی برگزار شود، اینک جزء لاینفک برنامه های تمام مراکز آموزشی شده بود و در واقع با زندگی روزمره مردم عجین شده بود و مراسم مذهبی با حرارت تمام در شهرهای مختلف کشور برگزار می شد که در نهایت تثبیت تشیع را به عنوان مذهب رسمی کشور به دنبال داشت.

### یادداشتها

- ۱- در مورد معنای این کلمه و کلمات مشابه آن باید دقت بیشتری شود. در این دوره اصطلاحاتی مانند روضه خوان، واقعه خوان، فضائل خوان و مناقب خوان بکار رفته است که مطمئناً تفاوتهایی با یکدیگر داشته اند و بامفهوم امروزی آن نیز تفاوت دارد. روضه خوان به کسی اطلاق می شد که کتاب روضه الشهداء می خواند و احتمالاً بیشتر به مداحی امروز شبیه بوده است چرا که نصر آبادی به هنگامی که از حافظ محمد حسن یاد می کند بلافاصله پس از آن به روضه خوانی وی اشاره دارد و از آواز خوشش صحبت می کند. وی می نویسد: «اصلش از تبریز است مدتی در اصفهان گمنام بود در عاشورا روضه الشهداء می خواند، آواز خوشی داشت» میزا محمد طاهر نصر آبادی، تذکره نصرآبادی، تصحیح وحید دستگردی، کتابفروشی فروغی، چاپ سوم، ۱۳۶۱: ۳۸۹.
- ۲- از قرائن چنین به نظر می رسد که واقعه خوان بیشتر به ذکر داستان کربلا و غیره بر اساس مقاتل مختلف می پرداخته است.
- ۳- در مورد تعزیه خوانی که امروز به معنای نوعی نمایش مذهبی است باید گفته شود که بنابر شواهد در دوره صفویه مترادف با روضه خوانی بکار رفته است.
- ۴- غالباً موکلان کسانی بودند که دیگر دستشان از دنیا کوتاه بوده و بنابر وصیت و یا تخصیص مالی به صورت وصیت، تقاضای انجام زیارت به ویژه انجام حج را کرده بودند.

- ۵- از جمله شاه صفوی در سال ۱۰۴۱ به بازسازی عمارات نجف اشرف پرداخت. (محمد معصوم بن خواجه اصفهانی، خلاصه السیر تاریخ روزگار شاه صفی صفوی، تهران علمی، ۱۳۶۸: ۱۳۰)
- ۶- بهترین نمونه موقوفات عظیم شاه عباس می باشد که در نوع خوبی نظیر است. (رجوع شود به: ولی قلی ابن داود قلی شاملو، قصص خاقانی، تصحیح سید حسین سادات ناصری، ج ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱: ۱۸۶).
- ۷- حاجی محمد صالح تاجر قزوینی در وقفنامه خود به سال ۱۱۰۵ خواسته است که یک عدد فانوس به هزینه وی در دارالحفاظ قرار داده شود. (وقفنامه ش ۳۵، آستان قدس)

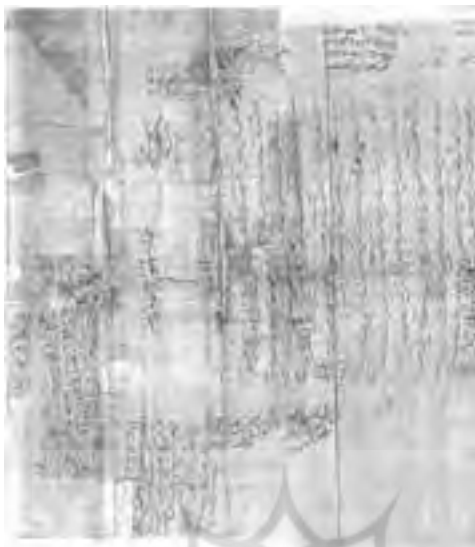
### منابع

- ۱- خواجه اصفهانی (۱۳۶۸) خلاصه السیر. تاریخ روزگار شاه صفی صفوی. بکوشش ایرج افشار. تهران: علمی.
- ۲- شاه طهماسب (۱۳۴۳) تذکره شاه طهماسب. برلین: چاپخانه کایانی.
- ۳- شاملو، ولی قلی ابن داود قلی (۱۳۷۱) قصص خاقانی. تصحیح سید حسین سادات ناصری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۱) نظم اللئالی معروف به سؤال و جواب. گرد آورنده سید محمد ابن احمد حسینی لاهیجانی. به تحقیق سید مهدی رجائی. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- ۵- نصیری، محمد ابراهیم ابن زین العابدین (۱۳۷۳) دستور شهریاران. به کوشش محمد ناصر نصیری مقدم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ۶- وقفنامه های دوره صفوی موجود در اداره کل اوقاف آستان قدس رضوی
- ۷- وقفنامه های دوره صفوی موجود در اداره کل اوقاف استان اصفهان
- ۸- وقفنامه های دوره صفوی موجود در اداره کل اوقاف مشهد.



ضمائم







پژوهشگاه ملی  
پرتال جامع علوم انسانی

